

مصلحت سنجی های کودکانه را باید به دیوار کوبید و بی هیچ شک و تردیدی باید احکام اسلامی را اجرا کرد. این حرف هیچ ربطی به نگاه کورکورانه ندارد و اصلاً افراط و تفریط هایی را که معمولاً انسان های نامتعادل مرتکب می شوند، توجیه نمی کند؛ اما می گوید که حرف خدا را بی چون و چرا عمل کن تا ثمره اش را ببینی!

مثلاً اگر حکم قتل سلمان رشدی ملعون را عملی کرده بودیم، الآن این همه بی حرمتی به مقدسات اسلام نمی شد. این جا دیگر نیازی به بیان فلسفه احکام نیست. همین که الآن ثمره آن حکم را می فهمیم، خیال مان راحت می شود و می توانیم احادیثی را که قبلاً جرئت نمی کردیم بگوییم، منتشر کنیم. مثلاً به این حدیث توجه کنید:

كُلُّ مُسْلِمٍ بَيْنَ مُسْلِمَيْنِ ارْتَدَّ عَنِ الْإِسْلَامِ - وَجَحَدَ مُحَمَّدًا ﷺ
نُبُوَّتُهُ وَكَذَّبَهُ فَإِنَّ دَمَهُ مُبَاحٌ لِمَنْ سَمِعَ ذَلِكَ مِنْهُ

هر کس از مسلمانان از اسلام برگردد (مرتد شود) و پیامبری حضرت محمد ﷺ را انکار کند و به او نسبت دروغ دهد، برای هر کسی که می شنود خون او مباح است!

جان ما فدای امام صادق علیه السلام که در بیان احکام از هیچ ملامت کننده ای نمی ترسیدند و جان ما فدای امام خمینی که برای زنده کردن این احکام در جامعه اسلامی به هیچ مصلحت سنجی کودکانه ای بها نمی داد!

